

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

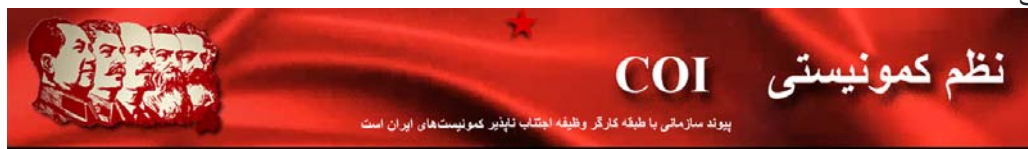
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نظم کمونیستی

۱۶ می ۲۰۲۵



مذاکرات ایران و امریکا

خصلت عمومی جدال امریکا با ایران، جدال دو نیروی بزرگ و کوچک فاشیستی است که اولی می‌خواهد دومی را دست‌نشانده و به چوب‌دست خود در مقابل چین تبدیل کند. آنچه مدیای امپریالیستی با شدت تبلیغ می‌کند این است که دولت امریکا و ایران پس از مدت‌ها جدال و مناقشه، خواهان مذاکره برای دستیابی به صلحی پایدار و همزیستی مسالمت آمیز هستند.

این تبلیغات از بنیان دغلکارانه است. از هر طرف که به این جدال و راه حل آن بنگریم ارتجاعی و فاشیستی است که به مردم امریکا و ایران صدمات جبران ناپذیری وارد می‌آورد.

برای تغییر ماهیت این جدال در خدمت مردم ایران و امریکا، باید طبقه کارگر قدرت سیاسی و ساختار اجتماعی خود را در ایران برپا سازد. لذا مبارزه جهت سرنگونی رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران لازمه پیروزی بر دخالت‌گری‌های فاشیستی ابر قدرت امریکا و یا هر قدرت خارجی دیگری در کشور ماست.

این موضع عام ما در مورد این جدال است. برای درک صحت و یا عدم صحت این موضع می‌باید روند مذاکرات ایران و امریکا را نیز تحلیل کنیم.

۱- روند مذاکرات:

از نظر ترمپ، دولت ایران شکننده و حاضر به تسلیم است. زیرا در خاورمیانه سیاست‌هایش شکست خورده، نیروهای نیابتی‌اش تضعیف گشته و در سطح بین‌المللی کاملاً منزوی‌ست. در عین حال دارای اقتصاد ورشکسته‌ای است که تحت آن اکثریت مردم در فقری بی مثال زندگی می‌کنند و شدیداً از رژیم حاکم متنفر اند و خواهان سرنگونی‌اش می‌باشند. از این جهت وادار کردن ایران به مذاکره و خلع سلاح هسته‌ای و راکتی آن، هم برای او مصرف تبلیغاتی داخلی دارد و هم شکست‌های بین‌المللی‌اش را می‌پوشاند.

لذا ترمپ در ۷ مارچ ۲۰۲۵ از ارسال نامه خود به خامنه‌ای خبر داد که در آن تهدید کرده بود که اگر ایران به مذاکره مستقیم و فشرده تن ندهد، ایران را بمباران می‌کند. ترمپ خلاف رؤسای جمهور پیشین امریکا که از طریق عمان با

ایران تماس می‌گرفتند، امارات را انتخاب کرد. «سخنگوی وزارت خارجه ایران اعلام کرده بود فرستاده امارات، حامل نامه ترمپ است.» (عصر ایران)

همین مسأله تا اندازه‌ای اهداف جنجال برانگیز ترمپ را در مورد ایران نشان می‌دهد.

امارات عربی مدعی است که سه جزیره (تنب بزرگ، تنب کوچک، ابوموسی) در خلیج فارس که تحت تسلط ایران و جزوی از خاک ایران است، متعلق به امارات می‌باشد و در صحنه بین‌المللی نیز برای گرفتن این سه جزیره تلاش می‌کند. روشن است که برای دولت ایران چنین میانجی نمی‌تواند مورد قبول باشد.

دولت ایران نامه خامنه‌ای به ترمپ را از طریق عمان ارسال کرد و بدین طریق اولین برگ بازی را عوض نمود و به دولت امریکا فهماند که اگر قرار بر مذاکره است، میانجی آن عمان خواهد بود.

ترمپ مجبور به قبول میانجیگری عمان گردید.

دولت ترمپ خواهان مذاکره مستقیم و فشرده با ایران بود و با تمام ابزارهای ممکن تلاش نمود ایران را پای میز مذاکره مستقیم و فشرده بکشاند. او بدین وسیله می‌خواست در کنار شکست‌های مکرر سیاسی‌اش، دستاوردی به مردم امریکا نشان دهد.

رژیم ایران حاضر به مذاکره مستقیم نشد و دولت ترمپ مجبور گردید مذاکره غیر مستقیم و مرحله‌ای پیشنهادی رژیم ایران را بپذیرد. دولت امریکا این شکست را باید به نوعی جبران می‌کرد. لذا صحبت‌های عراقچی وزیر امور خارجه ایران با ویتکاف نماینده ترمپ در مذاکره را که بعد از خاتمه مذاکره غیر مستقیم و در خارج از سالن‌های این مذاکره، غیر رسمی صورت گرفت، مذاکره مستقیم ایران و امریکا به خورد مردم امریکا داد.

تا اینجا ایران توانست در دو زمینه - کشور میانجی و نوع غیر مستقیم و مرحله‌ای مذاکره - اراده خود را بر دولت امریکا تحمیل کند.

در دور اول مذاکره که در ۲۳ فروردین - حمل - ۱۴۰۴ در مسقط پایتخت عمان با میانجیگری وزیر امور خارجه عمان، بدر البوسعیدی، برگزار شد، دو مسأله اساسی طرح گردید: مسأله هسته‌ای ایران و تحریم‌های امریکا. دور دوم در رم پایتخت ایتالیا در سفارت عمان برگزار شد و دور سوم دوباره در مسقط انجام گرفت. در تمام این مذاکرات آنچه به طور اساسی مورد مناقشه بوده است همان مسأله هسته‌ای و تحریم‌ها می‌باشد. تخته‌روانچی یکی از شرکت کنندگان در مذاکرات می‌گوید: «یکی ایجاد اطمینان نسبت به صلح آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران و در مقابل هم برطرف شدن همه تحریم‌ها ... در جلسه امروز تأکید شد که تحریم‌های نفتی، پتروشیمی، گاز، کشتیرانی روابط مالی و بانکی باید برطرف شود، منابع و پول‌های ایران در خارج از کشور باید آزاد شود، همه تحریم‌های تجاری، صنعتی، معدنی، حمل و نقل و بیمه باید لغو شود، تحریم نهادها و افراد باید لغو شود و موضوع پرونده ایران در شورای امنیت و شورای حکام باید خاتمه پیدا کند.» (تابناک)

خواست امریکا در این مذاکرات در درجه اول رساندن سطح غنی‌سازی ایران به ۳,۶۷ درصد و بازرسی همه جانبه تأسیسات اتمی ایران است. ویتکاف می‌گوید: «ایران نیازی به غنی‌سازی بالاتر از ۳,۶۷ درصد ندارد.» (ایران اینترنشنال) و در درجه دوم جلوگیری از تولید راکت‌های بالستیک توسط ایران است، زیرا کلاهک‌های اتمی را فقط با راکت‌های بالستیک می‌توان به هدف رساند. ویتکاف می‌گوید: «این راستی‌آزمایی شامل مسائل راکت‌ها و انواع تسلیحات ایران خواهد شد. او هشدار داد اگر نتوانیم برنامه هسته‌ای ایران را راستی‌آزمایی کنیم باید به گزینه‌های دیگری روی آوریم که به نفع هیچکس نیست.» (فاکس نیوز)

بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی مستقر در وین، ایران تا تاریخ ۸ فروری، ۲۷۴,۸ کیلوگرم اورانیوم با غنای ۶۰ درصد ذخیره کرده است، که نسبت به گزارش قبلی آژانس در ماه نومبر، ۹۲,۵ کیلوگرم افزایش یافته است. در سه جلسه مذاکرات، امریکا پیشنهاد کرده که این مقدار اورانیوم به کشور دیگری مثل روسیه منتقل گردد. ایران در مخالفت با این پیشنهاد، بر این نظر پافشاری می‌کند که این اورانیوم‌ها زیر نظر آژانس بین‌المللی و سازمان ملل در داخل ایران خواهند ماند. در عین حال ایران آماده است با کشور ثالثی مثل امریکا، روسیه و یا عربستان سعودی برنامه صلح آمیز هسته‌ای خود را جلو ببرد.

هر چه زمان بیشتر سپری می‌شود، رسیدن به توافقات مشخص مشکل‌تر و زمان‌برتر می‌شود. به همین علت ترمپ دوباره به تهدید روی آورده است.

«ترمپ ۲۵ فروردین- حمل- گفت: "ایران باید از دنبال کردن سلاح هسته‌ای دست بردارد. آن‌ها نباید سلاح هسته‌ای داشته باشند. ... به نظرم دارند ما را سر می‌دوانند، چون عادت کرده‌اند با آدم‌های احمق در این کشور طرف باشند ... اگر مجبور شویم، اقدامی بسیار سخت‌گیرانه انجام خواهیم داد."» (ایران اینترنشنال)

به نظر می‌رسد ادامه تهدیدهای ترمپ به شکل یک انفجار مهیب در اسکله بندر عباس تظاهر یافته است. این انفجار بدین معنی است که به درخواست‌های امریکا تن دردهید والا پاسخ ما روشن است. اخبار زیر به تأیید این ادعا کمک می‌کند:

یک نماینده مجلس می‌گوید «"محموله" منفجر شده، شماره اظهارنامه نداشته است.»

ابراهیم عزیزی، رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس ایران، می‌گوید: «اظهارات وارد کننده کالا با محل نگهداری محموله مطابقت ندارد.»

مرتضی محمودی نماینده مجلس می‌گوید: «انتقال بارها و کانتینرها در بندر شهید رجایی و انتقال آن به انبارهایی که محل نگهداری کالاهای "غیر خطرناک" بودند، "دروغ اظهاری" صورت گرفته است و دستگاه‌های امنیتی و انتظامی و قضائی در حال بررسی آن هستند.»

روزنامه شرق می‌نویسد: «بسیاری از مسئولان به محض شنیدن واژه خبرنگار از پشت تلفون، تماس را قطع می‌کنند و مایل به صحبت نیستند.» (اطلاعات از بی بی سی فارسی)

مدیر عامل شرکت توسعه خدمات بحری و بندری سینا می‌گوید: «محموله‌های "بسیار خطرناک" به جای محموله‌های عادی وارد و انبار شده بودند.»

ولی دولت ایران برای رام کردن ترمپ و کنار آمدن با او درهای اقتصاد کشور را برای سرمایه‌گذاری ۱۰۰۰ میلیارد دلاری امریکا باز کرده است. «عباس عراقچی، وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران، هفته گذشته در یادداشتی در واشنگتن پست نوشت که یک توافق هسته‌ای جدید می‌تواند دسترسی شرکت‌های امریکائی به آنچه او یک «فرصت اقتصادی هزار میلیارد دلاری» در کشوری با جمعیتی حدود ۹۰ میلیون نفر و با ذخایر عظیم نفت و گاز توصیف کرد، فراهم کند.» (ecoiran.com)

چنان‌که ملاحظه می‌شود، دولت فاشیستی ترمپ برای رقابت با چین و گسترش توانایی‌اش در استثمار و سرکوب مردم جهان سعی در به زانو درآوردن جمهوری اسلامی و رام کردن آن دارد و جمهوری اسلامی برای آسایش در آغوش این جناح از بورژوازی فاشیستی حاکم بر امریکا، حاضر به قربانی کردن سرمایه‌های کشور، استثمار بی رویه کارگران ایران و بهره برداری ارزان از معادن کشور توسط زالوهای امریکائی‌ست.

تحریم‌های امریکا هیچ یک از دست‌اندرکاران در رژیم ایران را تکان هم نمی‌دهد، به عکس بر ثروت آن‌ها میلیاردها دالر می‌افزاید ولی زندگی برای نیروی کارکن و زحمتکش ایران از این هم که هست تحمل ناپذیرتر می‌گردد. این دو دولت علیه مردم کشور خود و مردم جهان اتحاد ذاتی دارند.

۲- مذاکره و اوضاع بین‌المللی

کشتن یک انسان، یک جنایت است. قتل عام انسان‌ها، جنایت علیه بشریت است. تمام کشورهای سرمایه‌داری تلاش می‌کنند هر چه بیشتر به سلاح‌های کشتار جمعی خود بیفزایند و آن‌ها را تکامل دهند. امروزه خونخوارترین نیروهای امپریالیستی و بعضاً غیر امپریالیستی که سابقه جنایات هولناک علیه بشریت در شناسنامه‌شان ثبت است، دارای مخوفترین سلاح‌های کشتار جمعی هسته‌ای هستند: امریکا، در جاپان پس از پایان جنگ دوم جهانی، بدون این که ضرورتی داشته باشد، صدها هزار از مردم هیروشیما و ناگازاکی را با انفجار دو بمب اتومی در عرض چند ثانیه قتل عام کرد. در ویتنام و یوگسلاوی سابق با بمب‌های ناپالم ده‌ها هزار نفر را کشتار نمود. در عراق مردم شهر فلوجا را با بمب فسفوری نابود کرد. چین علیه مردم امریکا و دیگر کشورها مخوفترین سلاح‌های هسته‌ای را تدارک دیده است. کشورهای فرانسه، کوریای شمالی، اسرائیل، انگلستان، پاکستان و هند دارای سلاح هسته‌ای هستند.

از نظر حقوق بین‌المللی که خود نیروهای سرمایه‌داری وضع کرده‌اند، تمام کشورهای جهان دارای حقوق مساوی هستند، در نتیجه کشور ایران نیز از دیدگاه همین حقوق بین‌المللی می‌تواند دارای سلاح کشتار جمعی هسته‌ای باشد. ولی قانون حاکم بر جهان سرمایه‌داری عبارت است از زورگویی بزرگترها به کوچکترها. زورگویی امریکای بزرگ فاشیستی به رژیم فاشیستی کوچکتر جمهوری اسلامی. تبدیل کردن کوچک‌ها به اهرم خود در رقابت با رقیب پر قدرت.

برای از بین بردن این قانون ضد انسانی باید سرمایه‌داری را به تاریخ بسپاریم.

سلاح سربازان یک کشور هیچ گاه علیه دولت کشور دشمن سمتگیری نمی‌شود. بلکه علیه مردم آن کشور سمتگیری می‌شود. بمب هواپیماهای بمب افکن بر مردم بی دفاع شهرها و روستاها فرود می‌آید. پیروزی یک کشور قدرتمند بر یک کشور ضعیف با کشتار ده‌ها هزار سرباز که اکثراً از کارگران و دهقانان هستند میسر می‌گردد و وقتی هم که احتمالاً مسؤول این کشور دستگیر و اعدام شود مثل صدام حسین و قذافی، اکثر اعضای دولت سر جایشان می‌مانند و فقط اندکی مهره‌ها عوض می‌شوند.

مشخصه اوضاع بین‌المللی

۱- رقابت مرگ آور اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی امریکا و چین. این رقابت تبعات بسیار سنگینی برای مردم جهان دارد.

۲- ویرانی بی پایان مناطق وسیعی از خاورمیانه توسط فاشیست‌های اسرائیلی در عین شکست سیاسی اسرائیل در این منطقه و همزمان شکست سیاسی ترمپ در برنامه‌های اعلام شده بین‌المللی و داخلی‌اش.

۳- شکاف در ناتو و شکل‌گیری گام به گام ناتوی اروپایی. فقر روز افزون کشورهای اروپایی و سردرگمی آن‌ها بین امریکا، چین و روسیه.

۴- شکست سیاسی ناتو به سرکردگی امریکا در اوکراین

روند این اوضاع بروشنی فروکش امریکا به عنوان یک ابر قدرت برتر را نشان می‌دهد. ترمپ با افکار و برنامه‌های مالی‌خولیائی خاص جناح بورژوازی فاشیستی امریکا می‌خواهد جلوی این فروکش را بگیرد. برای این منظور باید در درجه اول حسابش را با رقیب قدرتمندی همچون چین تسویه کند. لذا باید اهرم‌های لازم را نیز به وجود آورد. مهمترین اهرم ستراتیژیک در این منطقه عربستان سعودی و ایران است. ترمپ با موجودیت دولت جمهوری اسلامی هیچ تضادی ندارد. اگر این رژیم تحت فرمان امریکا قرار گیرد، می‌تواند ده‌ها کلاهک هسته‌ای، بمب افکن و غیره داشته باشد. ترمپ در پی تسلیم رژیم ایران تا این حد است. می‌خواهد از این رژیم اهرمی در رقابت با چین امپریالیستی بسازد و آن را در مقابله با اسرائیل خنثی کند.

دولت‌های اروپائی به این جهت رژیم ایران را تحت فشار قرار می‌دهند و جار و جنجال هسته‌ای و ادامه برجام را به پا می‌کنند که نفت و گاز ایران به سوی چین سرازیر می‌شود نه به سوی اروپا. اگر ایران نفت خود را به همان قیمتی که به چین می‌فروشد به اروپائی‌ها بفروشد، هزار بمب اتم و سلاح‌های کشتار جمعی تقدیم می‌کنند. چین و روسیه به این دلیل از ایران تا حد و اندازه‌ای حمایت می‌کنند که از نفت و گاز و دیگر منافع طبیعی این کشور بهره می‌گیرند و مایل به حفظ سرمایه‌گذاری ۱۰۰۰ میلیارد دلاری (سرمایه چینی + سرمایه روسی) و حفظ سیاست مستعمراتی خود در ایران هستند.

در نتیجه ایران به یکی از مهمترین نقاط گرهی تضادهای بین‌المللی نیروهای امپریالیستی تبدیل گشته است. رژیم ایران به عنوان یکی از بی‌رحمترین دشمنان مردم این کشور، مایل و قادر نیست از مردم در مقابل تهاجم خارجی دفاع کند. مردم را به صورت گوشت دم توپ به کشتارگاه می‌کشاند. لذا مردم برای دفاع واقعی و جانانه از خود، باید رژیم فاشیستی جمهوری اسلامی را از بیخ و بن برکنند و با برپائی سوسیالیسم و دیکتاتوری پرولتاریا، اوضاع جهانی را علیه توطئه‌های امپریالیست‌ها و کلاً سرمایه‌داری جهانی و در خدمت زحمتکشان جهان عمیقاً تغییر دهند.

نظم کمونیستی

۲۵ اردیبهشت- ثور- ۱۴۰۴